



از فراریان مالیاتی کارهای خرد جریمنگیرید

از کسانی که رقم‌های درشتی فرار مالیاتی داشتند باید جریمه گرفته شود و می‌توان کسب‌وکارهای خرد را جریمه نکرد. به گزارش ایسنا، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس گفت: توجه مجلس به این نکته است که نباید به این افراد فشار وارد شود لذا قید شده که براساس تبصره یک ماده ۲۱۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده، مجموع جریمه‌های این افراد از ۵۰ درصد اصل مالیات بیشتر نشود. اکنون در پرداخت جریمه بین کسی که مثلاً ۴۰۰ میلیارد تومان بدهی مالیاتی دارد با کسی که یک میلیارد تومان بدهی دارد، ابهام وجود دارد پس باید سقفی در تعیین جریمه لحاظ شود در عین این که فشاری به افراد وارد نشود.



پشت پرده ممنوع‌الخروج شدن مدیران بانکی

مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره یکی از بانک‌های کشور ممنوع‌الخروج شدند چرا که از ارائه اسناد و در پاسخ به استعلام اطلاعات تراکنشی برای جلوگیری از فرار مالیاتی برخی از مودیان، خودداری و از ارائه اطلاعات تراکنش‌های بانکی افراد مشکوک به فرار مالیاتی استتکاف کردند. به گزارش ایلنا، مهدی موحدی، سخنگوی سازمان امور مالیاتی گفت: شاید این اقدام مدیران بانک خصوصی مصداق روشن همکاری با فرار مالیاتی یا کمک به فراریان مالیاتی نباشد اما طبق قانون باید نسبت به ارائه اطلاعات اقدام می‌کردند. ممکن است که مسئله پولشویی باشد و ما صرفاً مقوله فرار مالیاتی را در نظر نداریم البته که پولشویی از جمله مواردی است که سازمان امور مالیاتی در صورت مواجهه با آن باید گزارش‌های لازم با آن را به سازمان‌ها و نهادهای متولی ارائه دهد. او افزود: یکی از موضوعاتی که برای جلوگیری از چنین فرارهای مالیاتی به ماکم می‌کند، بسستر اطلاعاتی برای افزایش شفافیت است. از این رو باید از این اطلاعات برخوردار باشیم که این اتفاق به موجب همکاری کلیه نهادهای مراجع ذی‌ربط انجام می‌شود که قانونگذار هم آنها را مکلف کرده که اطلاعات خود را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند.



مانیفست برای مدیران پاکدست

فساد در همه جای دنیا هست اما چه کنیم که مدیران از دستگاه‌های نظارتی ترسند و نتوانند تصمیم‌گیرند به این منظور باید یک مانیفست برای مدیران پاکدست کشور تدوین کرد تا تمام سازمان‌ها با همکاری سازمان بازرسی کشور و دیوان محاسبات به صورت یک مرامنامه مبتنی بر آن عمل کنند. به گزارش ایلنا، عباس علی‌آبادی وزیر صمت عنوان کرد: چالش بزرگ نانوشتن در تدوین استراتژی توسعه این است که اغلب توسعه بر مبنای اقدامات فرصت‌طلبانه و پوپولیستی بوده است. امروز فناوری‌ها از دور خارج شده جهان را مفت به ما می‌فروشند و ما هم می‌خریم. او افزود: اگر شرکت‌ها قطعات پازل اقتصاد باشند تعریف شرکت‌های برتر امری درست است. اما این موارد را می‌توان در نظر گرفت آیا در مکانیزم‌های شناسایی این شرکت‌ها نیازهای توسعه‌ای کشور در نظر گرفته شده یا تنها سهم فروش در نظر گرفته شده است؟ شرکت‌هایی که رتبه بالا گرفتند مبتنی بر مواد اولیه هستند یا مبتنی بر فناوری؟ چقدر این شرکت‌ها در توسعه صادرات مؤثر بودند؟ آیا تنها خام‌فروشی کردند یا تولید با ارزش افزوده داشتند؟



مرکز پنهان مبادله

با بر عهده گرفتن همزمان نقش مجری و ناظر توسط بانک مرکزی در بازار طلا، ابهامات افزایش یافت



فرزانه طهرانی
دبیر گروه اقتصاد

سالن خلوت مرکز مبادله شاهد اولین عرضه شمش طلاست. صدا در سالن خلوت می‌پیچد. خریداران انگشت‌شمار به میز مقابل که پنج نفر را در خود جای داده و به شیوه حراج‌های سنتی چکش به میز می‌کوبند، چشم دوخته‌اند. عبار شمش اعلام می‌شود و از خریداران خواسته می‌شود قیمت مورد نظر را اعلام کنند. (قیمتی که گویی روی صفحه مانیتور مقابل فروشنده‌ها نمایش داده می‌شود) بعد از تایید خریدار چکش به نشانه فروخته شدن کوبیده می‌شود. قیمت طلا؟ مشخص نیست. عرضه‌کننده؟ مشخص نیست. خریدار؟ مشخص نیست. قیمت‌نهایی معامله؟ مشخص نیست. معامله ۱۰ شمش طلا با اطلاعات پنهانی انجام می‌شود. نه از تابلوی عرضه از آن جنس که در بورس وجود دارد خبری هست و نه ابزار مالی خاصی برای این معاملات در نظر گرفته شده است. شیوه فروش کاملاً سنتی است!

یکی از مطلعین به کنایه می‌گوید: «بانک مرکزی در ماجرای فروش سکه در سال ۹۶ شفاف عمل کرد و برای حراجی که به ۶۰ تن طلا زد بسیار شمات شد حالا روش مبهم و غیرشفاف را انتخاب کرده تا کسی از جزئیات معاملات سر درنیاورد.»

یک بازار با معاملاتی غیرشفاف راه افتاده که از ابهامات قبلی بکاهد. حالا فقط ابهام قبلی از بین نرفته که با به‌کارگیری روش سنتی، ابهامات جدیدی نیز به معاملات اضافه شده است.

چرا بانک مرکزی به بازار طلا ورود کرد؟

بانک مرکزی به سیکل گردش طلای وارد شده به کشور مشکوک بود. گفته می‌شد واردکنندگان، طلا را اجاره می‌گرفتند و بعد از آنکه به جای رفع تعهد ارزی - ورود طلا به کشور را ثبت می‌کردند، طلای وارد شده از مسیر غیرقانونی از کشور خارج

می‌شد. بانک مرکزی برای جلوگیری از گردش غیرقانونی طلا، وارد این بازار شد.

اول به صادرکنندگان بخشنامه داد که از این به بعد اگر به‌جای ارز، طلا به کشور بیاورند هم باید به بانک مرکزی تحویل دهند. بلافاصله بعد از این تصمیم، ابلاغیه‌ای صادر کرد که هرگونه معامله طلا محدود به عرضه در مرکز مبادله ارز و طلا باشد و معاملات سایر بازارها از جمله بورس را تنها با مجوز بانک مرکزی و جاهت‌بخشید.

اما در مرکز مبادله برعکس بورس که همه اطلاعات معامله روی تابلو می‌رود و قیمت پایه و قیمت نهایی اعلام می‌شود، خبری از اعلام قیمت، اعلام اسامی عرضه‌کنندگان و خریداران نیست.

اولین عرضه چهارشنبه ۲۷ دی از ساعت ۱۲ آغاز شد. معاملات حضوری است و قرار است هفته‌ای یک بار برگزار شود. شرط حضور در معامله داشتن پروانه کسب مجاز و معتبر تولید، فروش و خرده‌فروشی طلاست که به تایید مرکز مبادله رسیده باشد. اصل نامه در خواست شرکت در حراج (منتشرشده در تارنمای رسمی www.ice.ir)، اصل کارت ملی، اصل پروانه کسب و اصل فیش بانکی واریز وجه‌الضمان، اصل گواهی امضا نزد دفاتر اسناد رسمی به نام مرکز مبادله ارز و طلای ایران و آخرین آگهی روزنامه رسمی (ویژه اشخاص حقوقی) کل مدارکی است که از شرکت‌کنندگان در حراج خواسته می‌شود. شرایط سخت به نظر نمی‌رسد ولی با وجود این شرایط سهل، تعداد متقاضیان انگشت‌شمار است و در اولین عرضه طلا که بیشتر به حراج شبیه است ۱۰ کیلوگرم شمش فروخته می‌شود.

بانک مرکزی قصد داشت جلوی قاچاق طلا را بگیرد اما از این سازوکار سنتی که شرح آن رفت، چگونه می‌توان انتظار داشت مانعی برای قاچاق طلا باشد؟ در همه‌بخشنامه‌های هفته گذشته بانک مرکزی بیش از آنکه نشانی از ساماندهی بازار طلا دیده شود، سراسیمگی سیاستگذار به چشم می‌آید و به نظر می‌رسد آقای بازارگردان چندان به تبعات تصمیمات جدید ابلاغی توجهی نکرده است.

هر چند قیمت‌های شمش‌های

فروخته‌شده در مرکز مبادله اعلام نشد اما یکی از مطلعین به

هم‌میهن می‌گوید هر شمش یک کیلوگرمی

در این معاملات سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون

تومان قیمت خورد.

این عدد یعنی بانک مرکزی شمش طلا را

براساس دلار ۵۲ هزار و ۵۰۰ تومان معامله

کرده است. به عبارت دیگر نرخ بازار آزاد

را که بارها مسئولان اعلام کرده‌اند، نرخ

تلگرامی است و ما آن را قبول نداریم ملاک

تعیین قیمت شمش قرار گرفته است

نگاه کارشناس

محمدتقی فیاضی کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس مطرح کرد:

نظارت مخدوش بازار طلا با یکی شدن ناظر و مجری

به نظر شما ایراد بخشنامه بانک مرکزی در خصوص عرضه طلا در مرکز مبادله چیست؟

یکی از ایرادات مهم در عرضه طلا توسط بانک مرکزی، یکی بودن ناظر و مجری است؛ چراکه این مسئله سبب می‌شود نظارت مخدوش شود؛ در واقع معلوم نیست در این بازار چه کسی باید بر عملکرد بانک مرکزی نظارت کند. ورود در حوزه طلا یا قیمت‌گذاری در آن وظیفه بانک مرکزی نیست. بانک مرکزی نهایتاً وظیفه حفظ ارزش پول ملی و مدیریت بازار ارز را دارد. ضمن آنکه یکی از شرایط ثبات بازار این است که کارگزاران و مردم بدانند که سیاستگذار و مسئولان نظام پولی، بانکی و نظام بودجه‌ای کشور رفتار قابل



دستگاه ناظر مجری شد

با انتقال عرضه طلا به مرکز مبادله نگرانی مهمی هم شکل گرفت. بانک مرکزی به‌عنوان دستگاه ناظر که باید مراقب عملکرد مجری باشد، امروز خود تبدیل به مجری شده است. بانک مرکزی خریداران را تعیین می‌کند، بانک مرکزی قیمت را مشخص می‌کند، بانک مرکزی طلا را می‌فروشد و بانک مرکزی بر این پروسه نظارت می‌کند! یکی شدن ناظر و مجری نقدهای زیادی را به‌دنبال داشت. کارشناسان پررنگ شدن شائبه‌ها در روندی که بانک مرکزی هم سمت معامله قرار دارد و هم تسویه را انجام می‌دهد، نزدیک شدن به فساد را گوشزد می‌کنند. اینکه افراد خاص فقط امکان خرید طلا را خواهند داشت؛ آن هم طلایی که احتمالاً با قیمتی کمتر از بازار فروخته می‌شود، یکی از مواردی است که شائبه‌ها را قوت می‌بخشد. اینکه روند معامله سنتی و توأم با پنهان شدن جزئیات معاملات است هم دیگر موضوعی است که ذهن‌ها را نگران می‌کند.

ماهیت مورد سوال مرکز مبادله

صرف‌نظر از چگونگی معاملات طلا و ارز توسط بانک مرکزی، از نکات مورد نقد کارشناسان ماهیت خود مرکز مبادله است. کارشناسان تشکیل این مرکز را غیرقانونی می‌دانند و معتقدند در قوانین کشور، انجام معامله طلا و ارز در چنین مرکزی با جرایمی مانند حبس پیش‌بینی شده است. یکی از این قوانین بند (ث) ماده ۳۶ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور است. در این بند آمده است: «اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل تمامی اشخاص حقوقی... که موضوع فعالیت اصلی آنها نهاد مالی است، موظفند نهاد مالی تحت مدیریت خود را نزد سازمان بورس و اوراق بهادار به ثبت برسانند. خودداری از ثبت نهاد مالی تخلف محسوب می‌شود و فعالیت مدیران آنها مشمول بند یک ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران است.» بند یک ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار هم می‌گوید: «هر شخصی که بدون رعایت مقررات این قانون تحت هر عنوان به فعالیت‌هایی از قبیل کارگزاری، کارگزار/معامله‌گری، یا بازارگردانی که مستلزم اخذ مجوز است مبادرت نماید یا خود را تحت هر یک

پیش‌بینی در دوره زمانی معقول نشان می‌دهند.

در یک دهه گذشته بارها بحث عرضه طلا در بورس مطرح و اجرا شد اما بعد از مدتی دستور به توقف این عرضه‌ها صادر شد. این تغییر سیاست‌ها به اعتماد سراسر مایه‌گذاران لطمه نخواهد زد؟

تغییر سیاست‌ها به بی‌ثباتی و عدم اطمینان در بازار دامن می‌زند. معمولاً در این سال‌ها سیاستگذاران به جای آنکه به ریشه اصلی مشکلات بپردازند و علت را بیابند همیشه دنبال بر خورد با معلول بودند.

قیمت طلا براساس دو عامل قیمت جهانی طلا و نرخ روز ارز تعیین می‌شود. اینکه بانک مرکزی می‌خواهد برای این کالا نرخی تحت عنوان مرکز مبادله تعیین کند، یعنی می‌خواهد به یافتن علت و رفع آن با معلول برخورد کند. با این سیاست نتیجه‌ای که بانک مرکزی به دنبال آن است، محقق نخواهد شد.

نتیجه این شده است که کارگزاران و مردم نیز بعضاً بی‌اعتماد خواهند شد و وقتی که بانک مرکزی در یک یا چند سیاست شکست می‌خورد یک سابقه ذهنی ایجاد می‌شود و به تدریج بی‌اعتمادی به بار می‌آورد.

چرا با وجود داشتن یک ابزار مدرن و سیستم تعریف‌شده برای عرضه، دستور محدود کردن آن صادر می‌شود؟